

سلطان عیسی

¹ روزی از آن روزها واقع شد هنگامی که او قوم را در معبد تعلیم و بشارت می‌داد که رؤسای کاهنه و کاتبان با مشایخ آمده،² به وی گفتند: به ما بگو که به چه قدرت این کارها را می‌کنی و کیست که این قدرت را به تو داده است؟³ در جواب ایشان گفت: من نیز از شما چیزی می‌پرسم. به من بگویید:⁴ نعمید یحیی از آسمان بود یا از مردم؟⁵ ایشان با خود اندیشیده، گفتند که: اگر گوئیم از آسمان، هرآینه گوید چرا به او ایمان نیاوردید؟⁶ و اگر گوئیم از انسان، تمامی قوم ما را سنگسار کنند زیرا یقین می‌دارند که یحیی نبی است.⁷ پس جواب دادند که نمی‌دانیم از کجا بود.⁸ عیسی به ایشان گفت: من نیز شما را نمی‌گویم که این کارها را به چه قدرت بجا می‌آورم.

مَثَلِ ناکستان و باغبانان

⁹ و این مَثَل را به مردم گفتن گرفت که: شخصی ناکستانی غرس کرد و به باغبانانش سپرده، مدت مدیدی سفر کرد.¹⁰ و در موسم، غلامی نزد باغبانان فرستاد تا از میوهٔ باغ بدو سپارند. اما باغبانان او را زده، تهیدست بازگردانیدند.¹¹ پس غلامی دیگر روانه نمود. او را نیز تازیانه زده، و بی‌حرمت کرده، تهیدست بازگردانیدند.¹² و باز سومی فرستاد. او را نیز مجروح ساخته، بیرون افکندند.¹³ آنگاه صاحب باغ گفت: چه کنم؟ پسر حبیب خود را می‌فرستم شاید چون او را ببیند احترام خواهند نمود.¹⁴ اما چون باغبانان او را دیدند، با خود تفکرکنان گفتند: این وارث می‌باشد، بیا باید او را بکشیم تا میراث از آن ما گردد.¹⁵ در حال او را از باغ بیرون افکنده، کشتند. پس صاحب باغ بدیشان چه خواهد کرد؟¹⁶ او خواهد آمد و باغبانان را هلاک کرده، باغ را به دیگران خواهد سپرد. پس چون شنیدند گفتند: حاشا!¹⁷ به ایشان نظر افکنده، گفت: پس معنی این نوشته چیست: سنگی را که معماران رد کردند، همان سر زایه شده است؟¹⁸ و هر که بر آن سنگ افتد خرد شود، اما اگر آن بر کسی بیفتد او را نرم خواهد ساخت؟¹⁹ آنگاه رؤسای کهنه و کاتبان خواستند که در همان ساعت او را گرفتار کنند، لیکن از قوم ترسیدند زیرا که دانستند که این مثل را دربارهٔ ایشان زده بود.

سلطان یسوع

¹ و فی أحد تلك الأيام إذ كان يُعَلِّمُ الشَّعْبَ فِي الْهَيْكَلِ وَبَشَّرَ وَقَفَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ مَعَ الشُّيُوحِ² وَكَلِمُوهُ قَائِلِينَ: قُلْ لَنَا، يَايُّ سُلْطَانٍ تَفْعَلُ هَذَا؟ أَوْ مَنْ هُوَ الَّذِي أُعْطَاكَ هَذَا السُّلْطَانَ؟³ قَاجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: وَأَنَا أَيْضاً أَسْأَلُكُمْ كَلِمَةً وَاحِدَةً فَقُولُوا لِي:⁴ مَعْمُودِيَّةُ يُوَحْنَّا مِنَ السَّمَاءِ كَانَتْ أَمْ مِنَ النَّاسِ؟⁵ فَتَأْمَرُوا فِيمَا يَبْتَهِمُ قَائِلِينَ: إِنْ قُلْنَا مِنَ السَّمَاءِ، يَقُولُ: قُلِمَادًا لَمْ تُؤْمِنُوا بِهِ؟⁶ وَإِنْ قُلْنَا: مِنَ النَّاسِ، فَجَمِيعُ الشَّعْبِ يَرْجُمُونَنَا لِأَنَّهُمْ وَانْفُورَ بِأَنَّ يُوَحْنَّا نَبِيٌّ.⁷ قَاجَابُوا أَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ مِنْ أَيْنَ.⁸ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: وَلَا أَنَا أَقُولُ لَكُمْ يَايُّ سُلْطَانٍ أَفْعَلُ هَذَا.

مثل الكرامين الأشجار

⁹ وَابْتَدَأَ يَقُولُ لِلشَّعْبِ هَذَا الْمَثَلُ: إِنْسَانٌ غَرَسَ كَرْماً وَسَلَّمَهُ إِلَى كَرَّامِينَ وَسَافَرَ زَمَانًا طَوِيلًا.¹⁰ وَفِي الْوَقْتِ أَرْسَلَ إِلَى الْكَرَّامِينَ عَبْدًا لِكَيْ يُعْطُوهُ مِنْ ثَمَرِ الْكَرْمِ. فَجَلَدَهُ الْكَرَّامُونَ وَأَرْسَلُوهُ قَارِعًا.¹¹ فَقَادَ وَأَرْسَلَ عَبْدًا آخَرَ، فَجَلَدُوا ذَلِكَ أَيْضاً وَأَهَانُوهُ وَأَرْسَلُوهُ قَارِعًا.¹² ثُمَّ عَادَ فَأَرْسَلَ ثَالِثًا، فَجَرَّجُوا هَذَا أَيْضاً وَأَخْرَجُوهُ.¹³ فَقَالَ صَاحِبُ الْكَرْمِ: مَاذَا أَفْعَلُ؟ أَرْسَلُ ابْنِي الْخَبِيبَ، لَعَلَّهُمْ إِذَا رَأَوْهُ يَهَابُونَ.¹⁴ فَلَمَّا رَأَهُ الْكَرَّامُونَ تَأْمَرُوا فِيمَا يَبْتَهِمُ قَائِلِينَ: هَذَا هُوَ الْوَارِثُ، هَلِّمُوا نَقْلُهُ لِكَيْ يَصِيرَ لَنَا الْمِيرَاثُ.¹⁵ فَأَخْرَجُوهُ خَارِجَ الْكَرْمِ وَقَتَلُوهُ. فَمَادَا يَفْعَلُ بِهِمْ صَاحِبُ الْكَرْمِ؟¹⁶ يَايُّ وَهْلِكَ هَؤُلَاءِ الْكَرَّامِينَ وَبُعْطِي الْكَرْمَ لِأَخْرَبِينَ. فَلَمَّا سَمِعُوا قَالُوا: خَاسًا.¹⁷ فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِمْ وَقَالَ: إِذَا مَا هُوَ هَذَا الْمَكْنُوثُ: "الْحَجَرُ الَّذِي رَفَضَهُ التَّبَّاءُونَ هُوَ قَدْ صَارَ رَأْسَ الرَّابْوَةِ".¹⁸ كُلُّ مَنْ يَسْقُطُ عَلَى ذَلِكَ الْحَجَرِ يَتَرَصَّصُ، وَمَنْ سَقَطَ هُوَ عَلَيْهِ يَسْحَقُهُ.¹⁹ فَطَلَبَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ أَنْ يُلْقُوا الْأَيَادِي عَلَيْهِ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَلِكَيْتَهُمْ خَافُوا الشَّعْبَ، لِأَنَّهُمْ عَرَفُوا أَنَّهُ قَالَ هَذَا الْمَثَلُ عَلَيْهِمْ.

ضريبة قيصر

²⁰ فَارْتَابُوهُ وَأَرْسَلُوا جَوَائِيسَ يَتَرَاءَوْنَ أَنَّهُمْ أَبْرَارٌ لِكَيْ يُمَسِّكُوهُ بِكَلِمَةٍ، حَتَّى يُسَلِّمُوهُ إِلَى حُكْمِ الْوَالِي وَسُلْطَانِيَّةِ.²¹ فَسَيَّلُوهُ قَائِلِينَ: يَا مُعَلِّمُ، نَعْلَمُ أَنَّكَ بِالْإِسْقَامَةِ تَتَكَلَّمُ وَتَعْلَمُ وَلَا تَقْبَلُ الْوُجُوهَ بَلْ بِالْحَقِّ تَعْلَمُ طَرِيقَ اللَّهِ، أَيجُوزُ لَنَا أَنْ نَعْطِيَ جَزِيَّةً لِقَيْسَرٍ أَمْ لَا؟²² فَشَغَرَ بِمَكْرِهِمْ وَقَالَ لَهُمْ: لِمَادَا تَجْرُبُونِي؟²⁴ أَرُونِي دِينَارًا، لِمَنِ الصُّورَةُ وَالْكِتَابَةُ؟ قَاجَابُوا وَقَالُوا:

جزیه قیصر

²⁰ و مراقب او بوده، جاسوسان فرستادند که خود را صالح می‌نمودند تا سخنی از او گرفته، او را به حکم و قدرت والی بسپارند.²¹ پس از او سؤال نموده، گفتند: ای استاد، می‌دانیم که تو به راستی سخن می‌رانی و تعلیم می‌دهی و از کسی روداری نمی‌کنی، بلکه طریق خدا را به صدق می‌آموزی.²² آیا بر ما جایز هست که جزیه به قیصر بدهیم یا نه؟²³ او چون مکر ایشان را درک کرد، بدیشان گفت: مرا برای چه امتحان می‌کنید؟²⁴ دیناری به من نشان دهید. صورت و رقمش از کیست؟ ایشان در جواب گفتند: از قیصر است.²⁵ او به ایشان گفت: پس مال قیصر را به قیصر رد کنید و مال خدا را به خدا.²⁶ پس چون نتوانستند او را به سخنی در نظر مردم ملزم سازند، از جواب او در عجب شده، ساکت ماندند.

قیام مردگان

²⁷ و بعضی از صدوقیان که منکر قیامت هستند، پیش آمده، از وی سؤال کرده، گفتند: ای استاد، موسی برای ما نوشته است که اگر کسی را برادری که زن داشته باشد بمیرد و بی‌اولاد فوت شود، باید برادرش آن زن را بگیرد تا برای برادر خود نسلی آورد.²⁹ پس هفت برادر بودند که اولی زن گرفته، اولاد نیاورده، فوت شد.³⁰ بعد دومین آن زن را گرفته، او نیز بی‌اولاد بمرد.³¹ پس سومین او را گرفت و همچنین تا هفتمین و همه فرزندان نیاورده، مردند.³² و بعد از همه، آن زن نیز وفات یافت.³³ پس در قیامت، زن کدام یک از ایشان خواهد بود، زیرا که هر هفت او را داشتند؟³⁴ عیسی در جواب ایشان گفت: ابنای این عالم نکاح می‌کنند و نکاح کرده می‌شوند.³⁵ لیکن آنانی که مستحق رسیدن به آن عالم و به قیامت از مردگان شوند، نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند.³⁶ زیرا ممکن نیست که دیگر بمیرند از آن جهت که مثل فرشتگان و پسران خدا می‌باشند، چونکه پسران قیامت هستند.³⁷ و اما اینکه مردگان برمی‌خیزند، موسی نیز در ذکر بوبه نشان داد: چنانکه خداوند را خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب خواند.³⁸ و حالانکه خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان است. زیرا همه نزد او زنده هستند.³⁹ پس بعضی از کاتبان در جواب گفتند:

²⁵ فَقَالَ لَهُمْ: اَعْطُوا إِذَا مَا لِقَبْصَرٍ لِقَبْصَرٍ وَمَا لِلَّهِ. ²⁶ قَلَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يُمَسْكُوهُ بِكَلِمَةٍ قُدَّامَ الشَّعْبِ، وَتَعَجَّبُوا مِنْ جَوَابِهِ وَسَكَنُوا.

حقیقه قیامت الأموات

²⁷ وَخَصَّرَ قِيَوْمٌ مِنَ الصَّدُوقِيِّينَ الَّذِينَ يُقَاوِمُونَ أَمْرَ الْقِيَامَةِ وَسَأَلُوهُ ²⁸ قَائِلِينَ: يَا مُعَلِّمُ، كَتَبَ لَنَا مُوسَى: "إِنْ مَاتَ لِأَخٍ أَحٌ وَلَهُ امْرَأَةٌ وَمَاتَ بَعِيرٌ وَلَدٌ يَأْخُذُ أَخُوهُ الْمَرْأَةَ وَيُقِيمُ نَسْلًا لِأَخِيهِ". ²⁹ فَكَانَ سَبْعَةُ إِخْوَةٍ، وَأَخَذَ الْأَوَّلُ امْرَأَةً وَمَاتَ بَعِيرٌ وَلَدٌ. ³⁰ فَأَخَذَ الثَّانِي الْمَرْأَةَ وَمَاتَ بَعِيرٌ وَلَدٌ. ³¹ ثُمَّ أَخَذَهَا الثَّلَاثُ وَهَكَذَا السَّبْعَةُ، وَلَمْ يَتْرُكُوا وَلَدًا وَمَاتُوا. ³² وَأَخَّرَ الْكُلُّ مَاتَتِ الْمَرْأَةُ أَبْضًا. ³³ فَفِي الْقِيَامَةِ، لِمَنْ مِنْهُمْ تَكُونُ زَوْجَةً؟ لِأَنَّهُمَا كَانَتْ زَوْجَةً لِلْسَّبْعَةِ. ³⁴ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: أَتُنَاءِ هَذَا الدَّهْرَ يُرَوِّجُونَ وَيُزَوِّجُونَ، وَلَكِنَّ الَّذِينَ خُشِبُوا أَهْلًا لِلْخُصُولِ عَلَى ذَلِكَ الدَّهْرِ وَالْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمْوَاتِ لَا يُرَوِّجُونَ وَلَا يُزَوِّجُونَ، ³⁶ إِذْ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَمُوتُوا أَيْضًا لِأَنَّهُمْ مِثْلُ الصَّلَائِكَةِ وَهُمْ أَتْنَاءُ اللَّهِ إِذْ هُمْ أَتْنَاءُ الْقِيَامَةِ. ³⁷ وَأَمَّا أَنْ الْمَوْتَى يُقَوْمُونَ، فَقَدْ ذَلَّ عَلَيْهِ مُوسَى أَيْضًا فِي أَمْرِ الْخُلُقَةِ كَمَا يَقُولُ: "الرَّبُّ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِلَهَ إِسْحَاقَ وَإِلَهَ يَعْقُوبَ". ³⁸ وَلَيْسَ هُوَ إِلَهَ أَمْوَاتٍ بَلْ إِلَهَ أَحْيَاءٍ لِأَنَّ الْجَمِيعَ عِنْدَهُ أَحْيَاءٌ. ³⁹ فَأَجَابَ قَوْمٌ مِنَ الْكَتَبَةِ وَقَالُوا: يَا مُعَلِّمُ، خَسَنًا قُلْتَ. ⁴⁰ وَلَمْ يَتَجَاسَرُوا أَيْضًا أَنْ يَسْأَلُوهُ عَنْ شَيْءٍ.

المسيح سيد داوود الملك

⁴¹ وَقَالَ لَهُمْ: كَيْفَ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَسِيحَ ابْنُ دَاوُدَ؟ وَدَاوُدُ نَفْسُهُ يَقُولُ فِي كِتَابِ الْمَزَامِيرِ: "قَالَ الرَّبُّ لِرَبِّي: اجْلِسْ عَنْ يَمِينِي حَتَّى أَصْغَعَ أَعْدَاءَكَ مَوْطِنًا لِقَدَمَيْكَ". ⁴⁴ فَإِذَا دَاوُدُ يَدْعُوهُ رَبًّا، فَكَيْفَ يَكُونُ ابْنَهُ؟

الحذر من التأموسيين

⁴⁵ وَفِيمَا كَانَ جَمِيعُ الشَّعْبِ يَسْمَعُونَ قَالَ لِتَلَامِيذِهِ: ⁴⁶ اخْذُوا مِنَ الْكُتْبَةِ الَّذِينَ يَرْعُبُونَ الْمَسِيَّ بِالْطَّبَائِلَةِ وَيُجْبُونَ التَّجَبَّاتِ فِي الْأَسْوَاقِ وَالْمَجَالِسِ الْأُولَى فِي الْمَجَامِعِ وَالْمُتَكَاتِ الْأُولَى فِي الْوَلَائِمِ، ⁴⁷ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ بُيُوتَ الْإِرَامِلِ وَلِعَلَّةٍ يُطِيلُونَ الصَّلَوَاتِ، هَؤُلَاءِ يَأْخُذُونَ دَيْتُونَهُ أَعْظَمَ.

ای استاد، نیکو گفتمی.⁴⁰ و بعد از آن هیچ کس جرأت آن نداشت که از وی سؤال کند.

داود و مسیح

⁴¹ پس به ایشان گفت، چگونه می گویند که مسیح پسر داود است⁴² و خود داود در کتاب زبور می گوید، خداوند به خداوند من گفت به دست راست من بنشین⁴³ تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم؟⁴⁴ پس چون داود او را خداوند می خواند، چگونه پسر او می باشد؟

هشدار عیسی علیه معلمین شریعت

⁴⁵ و چون تمامی قوم می شنیدند، به شاگردان خود گفت:⁴⁶ پرهیزید از کاتبانی که خرامیدن در لباس دراز را می پسندند و سلام در بازارها و صدر کنایس و بالا نشستن در ضیافت ها را دوست می دارند.⁴⁷ و خانه های بیوه زنان را می بلعند و نماز را به ریاکاری طول می دهند. اینها عذاب شدیدتر خواهند یافت.